نقد اجزاء رؤیت قبل از زوال، و تثبیت رؤیت متعارفه عند الغروب، در کلام وحید بهبهانی

> مسألة: إذا رئي الهلال قبل الزوال، فالمشهور بين الفقهاء (رضوان الله عليهم) عدم الفرق بينه و بين أن يرى بعد الزوال، بل هذا هو المعروف منهم، إلّا ما نقل عن السيّد رحمه اللّه أنّه إذا رئي قبل الزوال، فهو لليلة الماضية. و ظاهره وجوب الإتمام لو كان صائما في يوم الثلاثين من شعبان، و وجوب الإفطار في يوم الثلاثين من رمضان. و ما قيل: إنّ الصدوق أيضا قائل به؛ لأنّه لا يقول بالرؤية، بل يقول بالعدد، كما هو معروف.
>
> حجّة المشهور وجوه: الأوّل: ظاهر قوله تعالى ثُمَّ أَتِمُّوا الصِّيامَ إِلَى اللَّيْلِ، خرج ما خرج بالدليل و بقي الباقي. الثاني: الأخبار المتواترة، حيث أمروا فيها بالصوم بالرؤية مطلقا أعمّ من أن يكون قبل الزوال أو بعده، و أمروا بالإفطار بالرؤية كذلك، من غير تفصيل بين قبل الزوال و بعده، كما يقول به الخصم. و بالجملة، التفصيل المذكور خلاف ظاهر تلك الأخبار المتواترة؛ فإنّ الظاهر منها أنّ الصوم للرؤية على نهج واحد لا تفصيل فيه، و كذلك الفطر، فالظاهر كونها بنسق واحد. و تخصيصها بالرؤية قبل الزوال فاسد قطعا، بل القطع حاصل بدخول الرؤية بعد الزوال فيها، بل في كثير منها الأمر بإنشاء الصوم بعد تحقّق الرؤية. بل من المسلّمات أنّ المطلق منصرف إلى الشائع، و الشائع وقوع الاستهلال بعد الزوال، و الغالب الرؤية ذلك الوقت، فتعيّن أن يكون المراد الصوم غدا و الفطر غدا مشروطين بالرؤية المتعارفة، و المشروط عدم عند عدم شرطه.[1]

مشغول عبارتی از وحید بهبهانی در رساله ایشان بودیم. در کتاب رؤیت هلال، جلد یک، صفحه چهارصد و نود و نه آمده است. فرمودند: «حجة المشهور وجوه»؛ در اینجا مشهور مقابل شاذ است. آن

فتوای شاذی که صاحب ذخیره به میدان آورده بودند، این بود که رؤیت قبل از زوال - ولو دیشب ندیدهام و هوا هم صاف بود- مشکلی ندارد. اصلاً رؤیت قبل از زوال، ولو میدانیم الآن از تحت‌الشعاع بیرون آمده و ما آن را ندیدیم، برای دخول شهر کافی است. چون قبل از زوال است. این فتوای شاذ بود. اینشان میفرمایند «حجة المشهور»؛ یعنی قول مقابل شاذ است که میگویند کافی نیست. اگر دیشب هلال را ندیدی، فردا روز اول ماه است. اگر دیشب ندیدی دیگر گذشت؛ فردا چه قبل از زوال و چه بعد از زوال، ببینی دیگر آن روز گذشته است، آن روز برای ماه قبل است. مشهور این را میگویند.

«الاول ظاهر قوله تعالى: ثُمَّ أَتِمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ؛ خدای متعال میفرمایند اگر روزه گرفتید باید آن را تا شب ببرید. حال روز سیام ماه مبارک است و دیشب ندیدید؛ قبل از زوال ندیدید، ولی روزه بودید؛ از طلوع فجر که هنوز آفتاب طلوع نکرده و هلالی هم نیست، شما روزه بعنوان سیام ماه مبارک گرفتید، حال که روزه هستید «اتمّوا الصیام الی اللیل». این ظاهر قول خداوند میشود. بنابراین اگر قبل از زوال ندیدید، «خرج منه ما خرج و بقی الباقی». هر کجا دلیل قطعی داریم که اتمام دیگر واجب نیست - مثل سفر و مرض و ...- «اتمّوا» آن را نمیگیرد. در غیر موارد عذر و عدم وجوب، «اتمّوا» آن را میگیرد. این فرمایش اینشان در دلیل اول بود.

علی ای حال برای قول مشهور، ادله زیادی آوردهاند. اولین دلیلشان آیا سر میرسد؟ یعنی آیه شریفه با روایات - برفرض تمامیت آنها - آیا تعارض پیدا میکند؟ باید آنها را بخاطر آیه در کنیم؟ آیا این آیه بر خلاف آنها است، یا نه؟ ظاهر خواطب اصول و ... اینطور نیست. یعنی اگر روایات رؤیت قبل از زوال را پذیرفتیم، لسانش لسان ورود بر مضمون آیه شریفه است؛ رفع موضوع میکند. نه اینکه آیه بگوید «اتمّوا الصیام». روایت عبید چه میگفت؟ میگفت: «اذا رئی قبل الزوال فهذا الیوم من شوال»، خُب آیا صوم شوال واجب است، که آیه بگوید «اتمّوا الصیام الی اللیل»؟! یعنی «اتمّوا صیام شهر رمضان الی اللیل»، نه «اتمّوا الصیام». معلوم است «من شهد منکم الشهر فلیصمه»، در آیه بعد میفرمایند: «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْ

من الخيط الأسود من الفجر ثُمَّ أَتِمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ[2] یعنی «الصیام»، صیام شهر رمضان است که «اتمّوا الی اللیل». اگر اینطور است، شما میگویی روز سیام باید اتمام کند، روایت رؤیت قبل از زوال میگویی چون قبل از زوال دیدی، «هذا الیوم من شوال». پس رفع موضوع شد؛ «فالیجب صیام شوال، هذا الیوم من شوال»، چه کسی گفته صوم شوال واجب است؟!

بنابراین اینکه ایشان میفرمایند آیه شریفه دلالت بر قول مشهور دارد، اینطور نیست. چون لسان روایتی که مقابل قول مشهور است، لسان رفع موضوع برای آیه شریفه است. اگر آن سر برسد اول باید آن را ببینیم. و الا خودش فی حد نفسه نمیتواند دلیل باشد.

«الثاني، الاخبار التواترة»؛ خُب اخبار متواتره چه میفرمایند؟ **«حيث أمروا فيها بالصوم بالرؤية مطلقا أعمّ من أن يكون قبل الزوال أو بعده»؛** «صم للرؤیه، افطر للرویة»؛ نمیگویند قبل از زوال یا بعد از زوال، بلکه اگر رؤیت آمد باید صیام صورت بگیرد. میگوییم اخ اگر مطلق است که پس قبل از زوال و بعد هم را که میگیرد! میگویند نه، این ناظر به متعارف است. «صم للرؤیه» یعنی «صم عند الرویة المتعارفة». رؤیت متعارفه هم در وقت غروب است. پس «صم» یعنی فردای رؤیت روزه بگیر؛ «صم للرویة المتعارفة غدا، افطر للرویة المتعارفة عند الغروب غدا»؛ پس وقتی دیدی، فردا را افطار کن. وقتی دیدی فردا را روزه بگیر. اعم از اینکه فردا قبل از زوال هلال را ببینی یا نبینی. بنابراین اخبار متواتره میگویند که باید به این صورت رفتار کنی.

«... و تخصيصها بالرؤية قبل الزوال فاسد قطعاً»؛ روایات متعارفه می گوید وقتی دیشب هلال را دیدی فردا را افطار کن، اما رؤیت قبل از زوال میگوید وقتی قبل از زوال دیدی، نباید فردا را افطار کنی، بلکه همین امروز را افطار کن. یعنی روایت متواتره را به این تخصیص میزنیم که

می‌فرمایند «فاسد قطعاً».

6:35

«... بل من المسلّمات أنّ المطلق منصرف إلی الشائع»؛ ایشان در اینجا اصطلاحات اصولیای را به کار می‌برند که با آن چیزهایی که در اصول بحث شده، مسامحاتی دارد.

«بل من المسلّمات أنّ المطلق منصرف إلی الشائع»؛ شاید دو سال قبل بود، نزدیک پانزده-بیست جلسه بحث کردیم که اینطور نیست. مرحوم آقای حکیم فرمودند اگر ما بخواهیم اطلاقات را ناظر به متعارف بدانیم، دستگاه فقه به هم می‌ریزد. خُب ایشان می‌گویند مطلق منصرف به شارع است. انصراف، به‌معنای استیناس و تبادر و تداعی، مشکلی ندارد. اما اینکه مطلقات منصرف است، یعنی گوینده این مطلق، «لم یرد المطلق، بل اراد الشایع». چقدر بحث شده. مثلاً در «فاغسلوا وجوهکم» چقدر بحث کردیم. این «وجه» یعنی متعارف! پس خدای متعال که فرموده صورتت را به اندازه متعارف بشور، اگر صورت کسی بزرگ است، باید تنها دور بینی خود را بشورد! احتمال این بود؟! مفصل بحث کردیم. شاید بیش از ده جلسه شده باشد. چرا؟ چون یکی از اقوال مهم در رؤیت با تلسکوپ و عدم اجزاء تلسکوپ همین بود. فرمودند وقتی می‌گویند باید هلال را ببینید، رؤیت، ناظر به متعارف است، آن جا که رسیدیم مفصل صحبت شد. انواع و اقسام آن و مثال‌ها بحث شد؛ اینکه جای انصراف کجا است و امثال آن.

خُب ایشان هم در اینجا همین را می‌فرمایند؛ «من المسلمات». خُب این چیزی که ایشان می‌فرمایند جزء مسلمات هست یا نیست؟ فی الجمله حتماً هست. یعنی از مسلمات است که ما جایی را داریم که مطلق منصرف به شایع می‌شود. در اینکه مشکلی نیست. آقای حکیم هم در معاملات و غیر آن تفصیل دادند. ولی اینکه بگویید مسلمات این است که مطلقاً چنین است، درست نیست. کجا قبول است که بگویند مسلّم است که در جمیع موارد، ما اصلاً اطلاق نداریم؟! تمام مطلقات در شرع ناظر به شایع است؟!

«و الشائع وقوع الاستهلال بعد الزوال»؛ شایع وقوع استهلال بعد از زوال است و مطلق هم منصرف به شایع است. **«و الغالب الرؤية ذلك الوقت، فتعيّن أن يكون المراد الصوم غدا و الفطر غدا»؛** پس «افطر للرؤیه»، رؤیت یعنی متعارف. متعارف هم وقت غروب است. **«مشروطين بالرؤية المتعارفة، و المشروط عُدم عند عدم شرطه».**

---

[1] رؤیت هلال، ج۱، ص: ۴۹۹

[2] البقره ۱۸۷

بازبینی #1
ایجاد شده 30 آوریل 2026 10:57:40 توسط ... .
به روزرسانی شده 30 آوریل 2026 11:00:10 توسط ... .